چهره‌ها

آندو: جباری بدشانس‌ترین است

بهترین دوست جباری در اردوی تیم ملی آندرانیک تیموریان بود که حتی یک لحظه هم از هم جدا نمی‌شدند و به عنوان دوقلوهای جدید تیم ملی تازه اسمشان در رفته بود که ناگهان مصدومیت جباری همه چیز را خراب کرد تا آندو تنها بماند. «هنوز هم باور نمی‌کنم که مجتبی جام جهانی را از دست داده است. برای جام جهانی هر دو ما برنامه داشتیم اما او بدشانس‌ترین بازیکن ایران است و در این شرایط نباید او را تنها گذاشت اکنون مجتبی به توجه زیادی نیاز دارد چون ضربه بزرگی خورده است.» آندو در اردوی سوئیس یکی از بهترین‌های تیم ملی بود و شانس بازی در جام جهانی را دارد. «بدنسازی برانکو بی‌نظیر بود و جواب این کارهایمان را در جام جهانی می‌گیریم. او در کار خودش بی‌نظیر است.»

ساشا در سوئیس

ساشا یانکوویچ دوباره کارش را با تیم ملی ایران آغاز کرد. او از روز شنبه در کنار تیم ایران قرار گرفته تا به مداوای مصدومان تیم ملی بپردازد. ساشا تا پایان جام جهانی همراه ایران است و حتی اسم او برای نشستن روی نیمکت تیم در جام جهانی به عنوان فیزیوتراپ تیم به فیفا ارسال شده است.

با وجود اینکه ایران در نشستن نفرات روی نیمکت با مشکلات زیادی مواجه است و حتی سجادی باید از روی سکو بازی‌های ایران را نگاه کند با آمدن یانکوویچ و نشستن او روی نیمکت اکنون باید یک نفر دیگر به روی سکوها هدایت شود.

بازی سرنوشت

تیم ایران فردا شب در آخرین دیدار تدارکاتی به مصاف تیم میتزیس سوئیس می‌رود که به گفته برانکو این تیم قوی‌تر از دو تیم گذشته است. این بازی ساعت ۱۸ به وقت سوئیس در کمپ اشپیز انجام خواهد شد.

برانکو که بعد از این بازی باید لیست نهایی برای جام جهانی را اعلام کند قصد دارد در این بازی از ترکیبی استفاده کند که شانس حضور در جام جهانی را دارند خدا کند خط خورده‌ها جنبه‌اش را داشته باشند!

رسول و بازوبند بدشگون

رسول خطیبی در بازی دست‌گرمی با اشپیز حاضر به بستن بازوبند کاپیتانی نشد تا رضا عنایتی کاپیتان ایران در این بازی باشد. خطیبی ادعا کرده بازوبند متعلق به دایی است و او هرگز تا زمان حضور دایی بر بازویش نمی‌بندد. «خاطره بدی از بازوبند تیم ملی دارم، در تیم کوردس او در حضور مهدوی‌کیا بازوبند را به من داد و هنوز از مهدی خجالت می‌کشم و در رختکن دوباره خاطرات تلخ آن روز به یادم آمد و حاضر نشدم بازوبند را ببندم. در ضمن چه من بازوبند را ببندم و چه کس دیگر همه می‌دانند که کاپیتان ایران علی دایی است.» این در شرایطی است که حرف و حدیث درباره ماجرای بازوبند زیاد است. چیزهایی که امیدواریم ختم به خیر شود. رسول که بازی ملی زیادی ندارد اما سابقه ملی‌اش به هشت سال پیش می‌رسد، امیدوار است با این موضع‌گیری شرایط بهتری نیز پیدا کند!

کربکندی رودرروی حیدری

قرارداد چهارده بازیکن ذوب‌آهن با این تیم به پایان رسیده و احتمال اینکه چندین مهره شاخص این تیم اصفهانی را فصل آینده در تیم دیگری ببینیم بسیار زیاد است. یکی از آنها سپهر حیدری است که می‌گویند با پرسپولیس تمام کرده. جدایی حیدری از ذوب خیلی هم بی‌سروصدا نبود. پس از اینکه این بازیکن در مصاحبه‌اش ذوبی‌ها را مورد مهر و محبت قرار داد حالا نوبت رسول کربکندی است که به اظهارات بازیکن تیمش جواب دهد.

«اینها بهانه‌گیری است. سپهر حیدری برای رفتن خودش به دنبال توجیه می‌گردد. ما هیچ مشکلی با هم نداشتیم. ایشان کاپیتان این تیم بوده، اما طوری مصاحبه می‌کند که انگار اینجا جلویش توپ و تانک گذاشتیم و زیر فشار روحی و روانی بوده است. ما رابطه خیلی خوبی با هم داشتیم. من در این مصاحبه‌ها مقداری شیطنت هم می‌بینم. من هنوز تصمیم به جواب دادن به مصاحبه‌های سپهر حیدری نگرفتم اما اگر این تصمیم را بگیرم حتماً حرف‌هایی را برای گفتن خواهم داشت. سپهر صحبت‌هایی را می‌کند که اصلاً در باشگاه ما وجود ندارد. ما در اینجا بیشترین احترام را به او گذاشتیم. برای ما هم خیلی زحمت کشیده اما حرف‌هایی را می‌زند که در باشگاه نیست. اگر کسی این صحبت‌ها را از بیرون بشنود چه خیالی می‌کند؟ در تیم ما که از ۴۰ نفر تشکیل می‌شود خب مطمئناً مشکلاتی بوده اما آنی نیست که سپهر می‌گوید. با این حال من می‌گذارم پای جوانی‌اش و شاید هم شیطنت کسانی که با او مصاحبه می‌کنند. به قول خودش کسی که از بچگی توی این باشگاه بوده نباید حالا موقع رفتن تمام پل‌های پشت‌سرش را خراب کند!! آدم هر چیز نگفته‌ای را می‌تواند بگوید اما وقتی گفت دیگر تمام حرمت‌ها را از بین می‌برد.»

مطمئناً سپهر حیدری تنها بازیکنی نخواهد بود که از ذوب جدا می‌شود. کربکندی در این باره گفته: «ماندن یک بازیکن در تیم ما اجبار نیست. ما باید تیم را درست کنیم. طبیعی است که هر چهارده نفر که از تیم ما نخواهند رفت از بین این چهارده نفر ما چهار، پنج نفر را نگاه می‌داریم و چیزی حدود هفده یا هجده نفر را برای تشکیل تیم جمع خواهیم کرد.» مربی ذوب‌آهن معتقد است اگر تیمش می‌خواهد قهرمان شود باید بازیکنان بزرگتری به خدمت بگیرد.

مقاومت رضا حسن‌زاده تمام شد

دریبل خوردن از مرگ

آرش راهبر

رضا حسن‌زاده مدافع تیم تراکتورسازی تبریز که چند روز قبل در بطن یک سانحه تصادف رانندگی قرار داشت صبح دیروز دارفانی را وداع گفت و به این ترتیب تلاش جمع بزرگی از بازیکنان، مربیان و پزشکان بی‌نتیجه ماند. جمع بزرگی که واقعاً برای بازگرداندن حسن‌زاده به زندگی سعی وافری داشتند.

اتفاق ناگوار وقتی افتاد که راننده اتومبیل کرایه‌ای در راه عسلویه با یک کامیون در حال انحراف برخورد کرد و حسن‌زاده که در صندلی جلو نشسته بود دچار ضربه مغزی شد. او البته با سردرد بقیه راه را طی کرد و به بوشهر رسید ولی ناگهان دچار بیهوشی شد. وضعیت پس از بررسی‌های اولیه نگران‌کننده تشخیص داده شد و کار به جایی رسید که مسئولان باشگاه تراکتورسازی تبریز و همبازی‌ها و همشهریان حسن‌زاده به فکر انتقال او به تهران افتادند. اما پزشکان مانع از این کار شدند و تغییرات فشار هوای آمبولانس هوایی را خطرناک توصیف کردند.

رضا حسن‌زاده اما در این مدت روی تخت بیمارستان آرمیده بود و هنوز به هیچ تحریکی پاسخ نمی‌گفت. رفته‌رفته پای تعدادی از بازیکنان آذری‌زبان به بوشهر باز شد و همگی پرسنل بیمارستان را مجاب کردند که به این بیمار رسیدگی ویژه‌ای شود. حتی شنیده شد که بازیکنان آذری فوتبال ایران مثل ناصر فرشباف، سلمان تاجدار، عباس آقایی، ستار همدانی، رسول خطیبی، سیروس دین‌محمدی و... اطمینان کامل دادند که اگر مخارج درمان حسن‌زاده به صدها میلیون تومان هم برسد آنها تامین خواهند کرد.

گروهی از دوستان مثل فرهاد کاظمی هم سعی کردند هر طور شده دکتر عباسیون پزشک حاذق را از طریق کادر پزشکی باشگاه صباباتری بالای سر او ببرند. با این حال مسئولان بیمارستان فاطمه‌الزهرای بوشهر اطمینان دادند که هر کاری که لازم بوده صورت گرفته و دیگر از نظر پزشکی کار خاصی نمی‌شود برای او کرد. چند روز بعد علائم امیدوارکننده‌ای از ضریب هوشی دریافت شد و پاهای بیمار هم تکان مختصری خورد اما به موازات آن اوضاع کلیه‌ها وخیم می‌شد. دوستان همگی دست به دعا برداشتند اما نهایتاً صبح یکشنبه قلب رضا حسن‌زاده هم از حرکت ایستاد. به وقت مرگ، ناصر فرشباف و فرهاد کاظمی بالای سر او بودند بی‌آنکه فرصت خداحافظی و طلب حلالیت برای رضا حسن‌زاده باشد. قرار شد که پیکر مدافع پیشین تیم‌های ماشین‌سازی، سپاهان و تراکتورسازی به تبریز منتقل شود. طبق برنامه امروز صبح اول وقت پیکر رضا حسن‌زاده به ورزشگاه تختی تبریز می‌آید تا با همشهریانش وداع کند. او از همان جایی خداحافظی می‌کند که به فوتبال ایران سلام کرد.

■ ■ ■

رضا حسن‌زاده از کشف‌های ناصرخان حجازی بود. چند دقیقه برای حجازی کافی بود که تشخیص دهد بازیکن قابلی جلوی او ایستاده است. «چند قدم که راه رفت فهمیدم که بازیکن درست و حسابی و استخوانداری است.» استعداد جدید تبریزی چند وقتی در تبریز ماند و سر راه تهران یکباره از فوتبال اصفهان سردرآورد. رضا حسن‌زاده با تشابه اسمی مدافع پیشین استقلال و تیم ملی راهی سپاهان شد تا در کنار فرهاد کاظمی دوران طلایی سپاهان را سپری کند. سپاهان اصفهان در سال ۱۳۸۲ فاتح دومین دوره لیگ برتر شد در حالی که در خط دفاعی‌اش رضا حسن‌زاده خوش‌سیما و خوش‌قد و بالا توپ می‌زد. او با سپاهان تجربه بازی در باشگاه‌های آسیا را هم کسب کرد و حتی به اردوی تیم ملی هم دعوت شد.

در کارنامه او یک بازی ملی هم به چشم می‌خورد اما ظاهراً حسن‌زاده بیش از یک بازی ملی را حق خود می‌دانست. خوانندگان پیگیر و مستمر روزنامه ورزشی به خاطر می‌آورند روزهایی را که رضا حسن‌زاده در گفت‌وگو با مطبوعات ورزشی بعضی از اعضای کادر فنی را مانع اصلی دعوت نشدنش به تیم ملی یاد می‌کرد. به هر حال فارغ از مسائل فنی و اختیارات سرمربی تیم ملی، او دفاع خوش استیل و قدرتمندی بود.

از ابتدای فصل جاری هم به توصیه ناصر فرشباف دوست قدیمی و باجناقش به تبریز بازگشت تا شاید با تراکتورسازی روزهای خوش گذشته را تکرار کند. فصل جاری البته فصل ایده‌آلی نبود اما تراکتور در پایان دور رفت و برگشت می‌تواند به حضور در پلی‌آف امیدوار باشد. بازیکنان تراکتورسازی هر چند دو هفته پایانی را بدون رضا حسن‌زاده سپری کردند اما انگیزه فراوانی برای پر کردن جای خالی او یافته بودند. حالا تراکتور منتظر رای کمیته انضباطی است تا شاید شانس تازه‌ای برای حضور در لیگ برتر پیدا کند.

■ ■ ■

از تقدیر گریزی نیست. شاید این روزها بیش از همه سلمان تاجدار خود را ملامت می‌کند که چرا در روز تصادف تعارف رضا حسن‌زاده را رد نکرد و صندلی جلو را به او داد، گرچه مشکل اصلی در جایی بود که هواپیمایی که قرار بود آنها را از عسلویه به بوشهر برساند تاخیر کرد و مسئولان تراکتور را به صرافت خبر کردن ماشین کرایه انداخت. اما ظاهراً دیگر موقع شماتت و ملامت گذشته است. اگر هواپیما تاخیر نداشت، اگر آمبولانس زودتر می‌رسید، اگر هلی‌کوپتری وجود داشت و اگر آن لخته خون لعنتی از گیجگاه حرکت نمی‌کرد، حالا خیلی اوضاع فرق می‌کرد. اما مرگ دلخراش حسن‌زاده باز هم همبستگی آذری‌ها را ثابت کرد و دوستی‌هایشان را تحکیم بخشید. همین برای ما بس. روحش شاد.

رضا حسن‌زاده در جام اتحادیه ۱۲۸۲. عکس: فرهاد کاوه، شرق

بیدارشو آقای قلعه‌نویی

آیدین مهاجر

آری هان یک مربی درجه دوم اروپایی است که لااقل در سال‌های اخیر افتخار دندان‌گیری در فوتبال جهان نداشته است. او اما به واسطه اینکه یک بازیکن درجه یک بوده، در جامعه جهانی فوتبال به‌عنوان یک آدم معتبر شناخته می‌شود که می‌تواند به‌عنوان مفسر شبکه‌های مهم تلویزیونی اروپا فعالیت کند و اطلاعاتش را درباره فوتبال به دیگران منتقل کند. او که این روزها سرمربی پرسپولیس است و برای موفقیت این تیم تلاش می‌کند، رفتارهایی را از خود نشان می‌دهد که کاملاً تفاوت او را با سایر مربیان ایرانی به رخ می‌کشد. این مرد هلندی که هنوز تیمش درگیر جام حذفی است و نمی‌داند آیا این رقابت‌ها را با قهرمانی به پایان می‌برد و به آسیا می‌رود یا نه، چهارشنبه گذشته از فرصت به دست آمده بهره گرفت و به اتریش رفت تا از کمپ تمرینی پرسپولیس در اردوی تابستانی‌اش بازدید کند و نیز چند تیم را بیابد که در این اردو با تیمش بازی کنند. او قبلاً هم برای اینکه بارسلونا را به تهران بیاورد و یک بازی را بین این تیم و پرسپولیس ترتیب بدهد و این‌چنین به تیمش اعتمادبه‌نفس ببخشد و آن را به‌عنوان یک تیم متفاوت در سطح نه فقط ایران بلکه آسیا مطرح کند، رایزنی‌هایی را کرده بود و به اینجا رسیده بود که در جام جهانی با فرانک رایکارد و یوهان کرویف صحبت کند و نظر آنها را برای آمدن به ایران جلب کند. همه اینها در شرایطی اتفاق افتاده که پرسپولیس هنوز بازی‌هایش را در این فصل تمام نکرده، اما هان می‌داند چه می‌خواهد و برای رسیدن به این خواسته، به چه ابزارهایی نیاز دارد و اصلاً به این فکر نمی‌کند که جام حذفی را می‌برد یا اینکه نمی‌برد. برای او مهم این است که پرسپولیس را برای فصل آینده به بهترین شکل آماده کند و برای رسیدن به این هدف، یک روز را هم از دست نمی‌دهد و می‌کوشد تا با برنامه‌ریزی صحیح به هدفش دست یابد. این رفتارها را که از آری هان می‌بینیم یاد حرف یکی از دوستان می‌افتیم که می‌گفت: «فقط کافی است یک مربی در اروپا نفس کشیده باشد، آن‌گاه رفتارهایش با مربیان ایرانی از زمین تا آسمان تفاوت می‌کند.» گفته این دوست ما البته کمی اغراق‌آمیز بود، اما می‌شود گفت که مربیان اروپایی- چه مربیان بزرگی باشند و چه نباشند- جزئیاتی را رعایت می‌کنند که مربیان ایرانی به راحتی از آن غافل می‌شوند. برای نمونه می‌توانیم همین رفتار آری هان را با رفتارهای امیر قلعه‌نویی مقایسه کنیم. قلعه‌نویی امروز می‌داند که تیمش قهرمان لیگ است و باید برای فصل آینده خودش را به گونه‌ای آماده سازد که هم در لیگ برتر در کورس قهرمانی باشد و هم در لیگ قهرمانان آسیا در جمع مدعیان قرار بگیرد، اما رفتارهای امروز قلعه‌نویی هیچ شباهتی به رفتارهای یک مربی بزرگ ندارد، چنان که داریم می‌بینیم او از فردای قهرمانی استقلال شروع کرده به گفتن این جمله که نمی‌خواهد در استقلال بماند. از طرفی نه تنها استعفا نمی‌دهد و نمی‌رود بلکه در نشست‌های شورای معاونین باشگاه هم شرکت می‌کند و بدین ترتیب هم وقت خودش را می‌گیرد و هم وقت مدیرعامل و هیات‌مدیره و معاونین را و هم سربه‌سر رسانه‌ها و مردم می‌گذارد. کسی هم از او نمی‌پرسد که این وسط تکلیف استقلال چه می‌شود. سرمربی استقلال، در این روزها به جای اینکه برای اردوهای تابستانی استقلال، چگونگی بدنسازی این تیم، بازیکنان مورد نیاز، بازی‌های تدارکاتی، امکانات تمرینی و کادر مربیگری و پزشکی و تدارکات تیم تصمیم بگیرد و با بررسی همه‌جانبه و در نظر گرفتن اینکه استقلال باید در دو لیگ به رویارویی حریفان برود، برنامه‌ریزی کند، وقت خودش را با این بازی درآوردن‌ها تلف می‌کند. او با اینکه چندی را در فوتبال آلمان سپری کرده و آنجا دیده چه جزئیاتی رعایت می‌شود که یک تیم به بالاترین سطح آمادگی‌اش برسد، از آن آموزه‌ها بهره نمی‌گیرد و اینچنین زمان را به ضرر استقلال از دست می‌دهد. رفتار قلعه‌نویی وقتی برای استقلال به یک ماجرای تمام‌نشدنی بدل می‌شود که می‌بینیم هیات‌مدیره و مدیرعامل این تیم در برابر رفتارهای او موضعی نمی‌گیرند و او را به حال خودش رها می‌کنند، بدون اینکه لحظه‌ای بیندیشند که از فردای قهرمانی باید طرحی نو در انداخت و برنامه‌ای جدید ریخت و اهدافی نو تعریف کرد. همین بلاتکلیفی است که موجب شده ستاره‌های استقلال به مذاکره با تیم‌های دیگر بنشینند و اینجا و آنجا بگویند که فصل بعد را در استقلال نخواهند ماند و همین سردرگمی است که سبب شده بازیکنان خوب لیگ با تیم‌های دیگر به توافق برسند و دست استقلال از گرفتن آنها کوتاه بماند.

چنین است که خیلی‌ها می‌پرسند، آیا قلعه‌نویی نمی‌توانست به جای این رفتارها، برود با هیات‌مدیره و مدیرعامل بر سر برنامه‌هایش به گفت‌وگو بنشیند و فهرست بازیکنانش را به مسئولان نقل و انتقالات باشگاه بدهد و تیمش را ببندد و به اروپا برود و هم تمرینات تیم‌های حاضر در جام‌جهانی را از نزدیک ببیند و هم برای استقلال حریف تدارکاتی دست و پا کند؟

آیا او اصلاً به این فکر می‌کند که ۲۴ روز از قهرمانی استقلال می‌گذرد و زمان استراحت به پایان رسیده است؟ رفتارهایش که چنین نشان نمی‌دهد، فقط کاش این وسط کسی پیدا می‌شد و به استقلالی‌ها جوری نهیب می‌زد که از این خواب شیرین پس از قهرمانی بیدار شوند.

جدول شماره ۵۹۴

فرهنگ امامی
Farhang_Emami@yahoo.com

افقی: ۱- بانوی نویسنده آمریکایی و خالق کتاب پایان بحران- اثاثیه و لوازم منزل. ۲- چیرگی و برتری- سابقاً روز اول مدرسه به آن اختصاص داشت. ۳- باز داشتن- اگر برگردد وضعیت عوض خواهد شد- وجود و زندگی- نظر و نگاه. ۴- نقاش ایتالیایی- سریع و فوری- صاف و مسطح- فلز الکتریسیته. ۵- سلسله و دودمان- بی‌قید و بند- بیعانه و پیش‌پرداخت. ۶- سوره چهل و چهارم- آماده و فراهم‌کردن- روشنی اندک. ۷- آدمکش و جانی- دربه‌در و خانه‌به‌دوش- نوعی موسیقی پرطرفدار. ۸- وصله پارگی- زبان تکلم عیسی مسیح و یارانش- نمایان و آشکار. ۹- اختر شبگرد- حکایت و داستان- کشتزار. ۱۰- عقب و دنبال- سرمه چشم- قاضی ورزشی. ۱۱- خواندن یک اثر ادبی با حالتی موثر- حمام بخار- راز و رمز. ۱۲- منقار- مستی و بی‌حالی- مویش غنیمت است- آداب و سنن. ۱۳- غذای مسافر- شیشه آزمایشگاهی- دومین حرف الفبای یونانی- بازیگر مطرح فرانسوی. ۱۴- تعجب کردن- سند قرار دادن. ۱۵- شهری در بلژیک و مرکز ایالتی به همین نام- شروع کردن و آغاز نمودن.

عمودی: ۱- جایی که آب بماند و متعفن شود- محل سوخت‌گیری اتومبیل. ۲- بیماری خطرناک کودکان- نوعی استدلال منطقی درباره دو چیز- برادر بزرگتر. ۳- گزنده خطرناک- واحد شمارش- بعد از نهم. ۴- تکرار حرف آخر- نام دیگر سلول- مالیات- سرشت و نهاد. ۵- برنج پخته شده- پدر رستم دستان- فرهنگ مردم. ۶- قهرمان ملی و مذهبی ارامنه- ادامه داشتن. ۷- بیماری دیابت- نشان دادن و نمودن- کمک کردن. ۸- تنها و یگانه- هر که دانا بود، می‌شود- جنس غالب. ۹- کلمه امر از هلیدن به معنی دست‌بردار- فرآیند دنبال کردن کاری- فیلم مسعود کیمیایی. ۱۰- درجه بالاتر از گروهبان یکمی ـ رفقا و یاران. ۱۱- در کار خیر حاجت به آن نیست- معدن- شیر عرب. ۱۲- دشنام و نفرین- باریک و کم‌عرض- فربه و تندرست- لنگه بار. ۱۳- طناب و ریسمان- نام کوچک چایکوفسکی- اطلاعات اولیه برای راهنمایی پلیس. ۱۴- پوست دباغی شده- هالو و زودباور- موسیقی سه قسمتی که توسط یک یا دو ساز اجرا شود. ۱۵- نالایق و بی‌عرضه- گفتن و امر کردن.

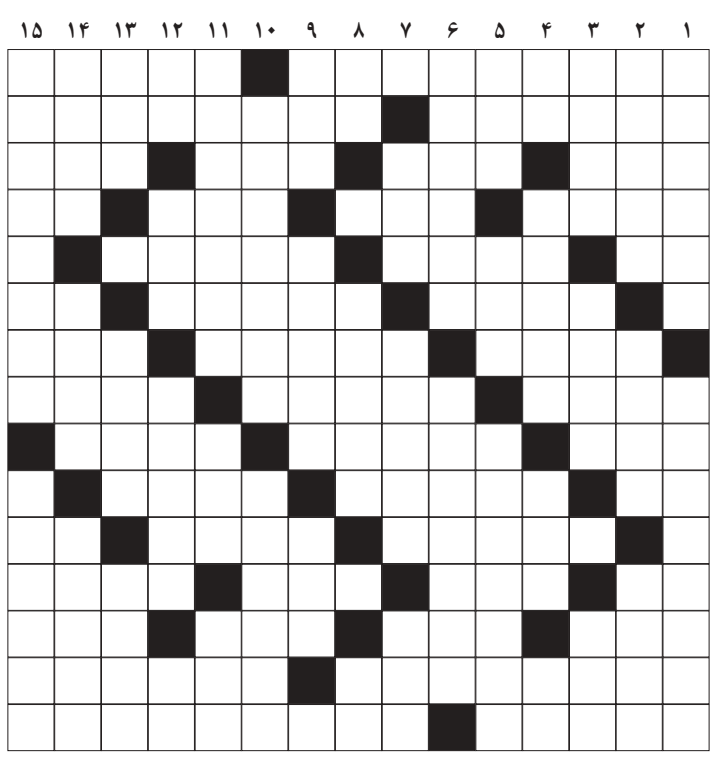

حل جدول ـ ۵۹۳

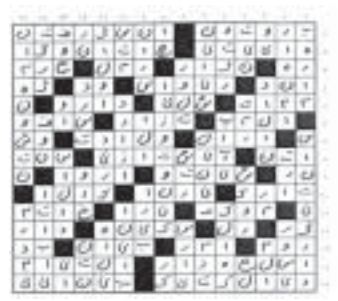

متن حاشیه

قانون بیات، بعد از قانون بوسمن

«شارلروا» مهم‌ترین اسم این روزهای فوتبال اروپا است. باشگاهی که ایرانیان عشق فوتبال آن را با خرید سه بازیکن ایرانی داریوش یزدانی، علیرضا امامی‌فر و محمدرضا مهدوی به یاد می‌آورند، تصمیمی که تجربه‌ای تلخ برای مدیر ایرانی باشگاه عباس بیات بود. بیات که با وجود همه مشکلات تیم خود را در دسته اول فوتبال بلژیک حفظ کرده، با حضور پسر ارشدش مرتضی در راس باشگاه کار اجرایی را به او واگذار کرده و از جاه‌طلبی فرزند خوش‌قیافه‌اش لذت می‌برد. این باشگاه که در فوتبال بلژیک نیز قدرت بزرگی نیست، به دلیل شکایتی از فیفا که می‌تواند منجر به یک رای تاریخ‌ساز، شبیه به قانون بوسمن شود سر زبان‌ها افتاده است. شارلروا که به دلیل دوستی مرتضی با چند مدیر باشگاه مشهور جهان از G14 (گروهی شامل ۱۸ باشگاه ثروتمند جهان) حمایت می‌شود به جنگ فیفا رفته است. داستان از این قرار است که شارلروا به دلیل آسیب‌دیدگی عبدالمجید اولمرز بازیکن مراکشی در بازی دوستانه این تیم برابر بورکینافاسو از فیفا غرامت می‌خواهد.

گفته می‌شود سه قاضی بلژیکی به احتمال فراوان پرونده را به دادگاه اروپا (ECJ) خواهند فرستاد تا تصمیم‌شان بر فراز بزرگترین رویداد ورزشی جهان سایه افکند. یک دهه از آخرین پرونده‌ای که به دادگاه عالی اتحادیه اروپا (EU) فرستاده شده می‌گذرد. قانون «بوسمن» (از نام ژان مارک بوسمن گرفته شد) با دادن اجازه به بازیکن‌های بدون قرارداد برای انتقال آزاد بین باشگاه‌ها اختیار و آزادی عمل زیادی به آنها بخشید.

شارلروا پس از آسیب‌دیدگی اولمرز که به هشت ماه نیمکت‌نشینی او منجر شد، درخواست غرامت کرد. مسئولان شارلروا معتقدند که نبود این بازیکن شانس‌های گروهش را برای قهرمانی لیگ و جام حذفی بلژیک از بین برد. مرکز فرماندهی فوتبال جهان اعلام کرد که هیچ رابطه‌ای بین آسیب‌دیدگی اولمرز و جایگاه پنجمی شارلروا در پایان فصل وجود ندارد. پرونده شارلروا این نگرانی را پدید می‌آورد که همه باشگاه‌ها بخواهند به سبب آسیب‌دیدگی بازیکن‌هایشان در جام جهانی از تیم‌های ملی غرامت بگیرند. چیزی که اگر به تصویب برسد نام بیات را در تاریخ فوتبال جاودانه خواهد کرد.

عین عدالت

محرومیت شش‌ماهه بهمن فروتن از حضور در تیم‌های باشگاهی حکم عجیبی است که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال امضای خود را پای آن گذاشته است؛ محرومیتی که شنبه بعدازظهر حدود دو ماه و نیم پس از تصمیم غیرقابل دفاع فروتن در بیرون کشیدن تیم از زمین در بازی مقابل برق شیراز اعلام شد. تصمیمی که فروتن آن را در اعتراض به رای داور (که یک پنالتی به سود برق اعلام کرد) به اجرا گذاشت، در حالی که پیتر ولاپان معاون دبیرکل AFC در جایگاه ویژه نشسته بود و طبیعتاً از دید مسئولان فدراسیون کار فروتن حرکتی برای جلب توجه و حتی بی‌اعتبار کردن فوتبال ایران بود. آن روز آنها که صورت سرخ محمد دادکان رئیس فدراسیون را به چشم دیدند می‌دانستند عقوبتی تلخ در انتظار فروتن است که هفته بعد در برنامه نود اعلام کرد به دستور رئیس باشگاه اقدام به این کار کرده است...

جمله‌ای که هیچ‌گاه از سوی درویش رئیس متمول شموشک تکذیب نشد. نکته اما اینجا است که چون «فروتن» و نه سرپرست و مدیر و مالک تیم فاعل این فعل بوده‌اند قرعه محرومیت به نام سرمربی شموشک می‌افتد که تازه قرارداد خود را با شموشک تمدید کرده بود و می‌خواست در فصل بعد این تیم سبزپوش را به لیگ برتر بازگرداند. طنز زمانه هم در اینجا است که دیروز به موازات این خبر متوجه شدیم فدراسیون کلیه محرومیت‌های فیروز کریمی مربی فعلی استقلال اهواز را که جنجال تقلب او در راه‌آهن پای دیوان عدالت اداری را به فوتبال باز کرد، بخشیده است! امروز این‌طور به نظر می‌رسد که برای در امان ماندن از آفات روزگار باید روابط خود را با رئیس فدراسیون حسنه کنید، همان‌طور که فیروزخان یک دادکان می‌گوید و هزار «دکتر». همان‌طور که در ستون سخنگوی فدراسیون فوتبال در روزنامه نود هفته‌ای چندبار نام فیروز کریمی را می‌خوانیم. مربی کاربلد فوتبال ایران که راه دفتر رئیس فدراسیون را خوب یاد گرفته، درست برخلاف فروتن که ماه‌های گذشته را به مصاحبه‌های انتقادی گذراند... و این عین عدالت است!

... و حالا جنگ

در میان مناقشات تمام‌نشدنی فوتبال ایران نوبت به محمدحسن انصاری‌فرد و محمد دادکان رسیده است، که پس از سال‌ها دوستی رویاروی یکدیگر قرار بگیرند. «انصاری‌فردها» (محمدحسن مدیر پرسپولیس، محمدحسین مدیرمسئول پیروزی و عباس مدیر سابق تیم) سه برادری هستند که سخنگوی سازمان لیگ در مصاحبه‌ای با روزنامه البرز رسماً ناراحتی شدید فدراسیون از آنها را فاش کرد. این روزنامه در عین حال در مطلبی کوتاه اشاره‌ای به تغییر مواضع روزنامه پیروزی به عنوان حامی سفت و سخت دادکان در چند سال گذشته پس از مسائل اخیر کرد. نکته‌ای قابل توجه ثابت می‌کند دوستی و دشمنی در فوتبال ایران چه مرز باریکی دارد. از سویی دادکان و اعضای فدراسیون عقیده دارند انصاری‌فرد خواسته‌های خود را با فشار علی سعیدلو معاون اجرایی رئیس جمهوری و رئیس هیات مدیره پرسپولیس از طریق سازمان به فدراسیون تحمیل می‌کند و از طرفی محمدحسن انصاری‌فرد که همه چیز را منوط به فینال جام حذفی کرده است، دچار این ذهنیت شده که فدراسیون علاقه‌ای به پیروزی پرسپولیس ندارد. الحمدلله هیچ ریش سفیدی هم پیدا نمی‌شود که میانه را بگیرد، بنابراین فعلاً بی‌توجه به تمام قربان صدقه‌های گذشته بگرد تا بگردیم!